

ابلاغ دادخواست و شرایط آن



دادخواست عبارت است از تقاضای کتبی و رسمی خواهان از دادگاه مبنی بر رسیدگی به پرونده قضائی در قالبی خاص و با شرایطی که قانون پیش‌بینی نموده است. دادخواست باید به صورت کتبی و روی برگه‌های چاپی مخصوصی که از طرف دادگستری تهیه شده، تنظیم گردد. از نظر حقوقی کسی که دادخواهی می‌کند، «خواهان» و طرف مقابل او را «خوانده» و آنچه را از دادگاه تقاضا دارد، «خواسته» می‌نامند.

تنظیم دادخواست

شروع رسیدگی به دعاوی مدنی دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست میباشد. دادخواست به دفتر دادگاه صالح و در نقاطی که دادگاه دارای شعب متعدد است به دفتر شعبه اول تسلیم میگردد. جهت تقدیم و تکمیل دادخواست به نمونه‌های ذیل اشاره میشود.

حقوق

دادخواست باید به دفتر دادگاهی تقدیم شود که صلاحیت رسیدگی به ادعا را دارد و اگر در نقاطی دادگاه دارای شعب متعدد بود مانند این که در يك دادگستری يك شهرستان پنج شعبه دادگاه عمومی مستقر باشد، در این حالت دادخواست به دفتر شعبه اول داده خواهد شد.

منظور از دادگاه صالح دادگاهی است که قانوناً شایستگی و صلاحیت رسیدگی به ادعا را دارد تشخیص این امر برای مردم عادی و حتی حقوقدانان در پاره ای از موارد مشکل است از این رو بهتر است قبل از تقدیم دادخواست در این خصوص با اهل فن مشورت به عمل آید ولی طبق يك قاعده عمومی در دعاوی مدنی اصل بر صلاحیت دادگاه محلی است که خوانده یعنی طرف مقابل دعوی در حوزه آن دادگاه اقامت دارد.

__ پس از تقدیم دادخواست مدیر دفتر دادگاه باید فوراً آن را ثبت و رسیدی که در آن نام خواهان، خوانده، تاریخ تسلیم دادخواست (روز، ماه، سال) آمده با ذکر شماره ثبت به تسلیم دادخواست را بیاورد.

__ تاریخ رسید دادخواست به دفتر دادگاه تاریخ اقامه دعوی به حساب می آید.

__ اگر دادگاه دارای شعبه های مختلف باشد مدیر دفتر دادگاه پس از ثبت دادخواست آن را جهت ارجاع به یکی از شعب به نظر رئیس شعبه اول یا معاون او خواهد رساند.

__ در فرم دادخواست باید:

نام و نام خانوادگی ، نام پدر، سن و شغل خواهان و نشانی او آورده شود در مورد نشانی باید توجه داشت که نشانی به نحوی ذکر شود که مامور ابلاغ قادر به ابلاغ اوراق قضایی به آن نشانی باشد.

نام، نام خانوادگی، شغل و نشانی خوانده به ترتیب بالا.

__ آن چه مورد ادعا است و به اصطلاح خواسته خواهان می باشد برای مثال مطالبه وجه، تخلیه مغازه استیجاری، فسخ معامله، الزام به تنظیم سند رسمی و ... در مورد دعاوی مالی تعیین بهای خواسته ضروری است برای مثال اگر خواسته خواهان خلع ید از ملکی است باید بهای ملك را هم بیاورد.

__ تعهدات و جهاتی که به موجب آن خواهان خود را مستحق مطالبه به نحوی که مقصود او واضح و روشن باشد.

__ آن چه که خواهان از دادگاه درخواست دارد. (برای مثال هنگام اقامه دعوی مبنی بر الزام خوانده به تنظیم سند رسمی در خواست دستور موقت جهت منع نقل و انتقال ملك نیز طرح می شود.)

__ دلایلی که خواهان به موجب آن خود را ذیحق می داند و برای اثبات ادعای خود به آن استناد می کنند مانند اسناد، شهادت گواهان، نظر کارشناس، معاینه محل و ...

__ چنان چه خواهان برای اثبات ادعایش به گواهی گوهان استناد می کند باید اسامی و مشخصات و محل اقامت آنان را به طور صحیح معین کند.

__ امضای دادخواست توسط خواهان در صورت نداشتن امضای اثر انگشت او.

__ اگر خوانده دعوی شخص حقوقی باشد برای مثال شرکت سهامی عام ... در ستون خوانده باید نام شرکت آورده شود نه سهامداران شرکت.

__ چنان چه هر يك از خواهان یا خوانده عنوان قیم یا تولى یا وصی یا مدیریت شرکت و امثال آن را داشته باشند باید در دادخواست آورده شود و دلیل این امر نیز ضمیمه پرونده شود.

__ چنانچه دادخواست به هر دلیلی نقص داشت مدیر دفتر دادگاه باید پس از تکمیل پرونده آن را در اختیار دادگاه قرار دهد از این رو برای دادخواستهای ناقص تا قبل از تکمیل آنها وقت دادرسی تعیین نخواهد شد و به اصطلاح دادخواست به جریان نخواهد افتاد.

__ اگر دادرسی با دادخواست ناقص شروع شود هر زمان که دادگاه متوجه این نقص گردید باید جریان دادرسی را متوقف کند و با اشاره به موارد نقص پرونده را جهت تکمیل دادخواست به دفتر دادگاه بفرستد.

__ خواهان باید رونوشت یا تصویر اسناد خود را پیوست دادخواست کند. رونوشت یا تصویر این مدارك باید خوانا و مطابق با اصل باشد و این امر باید توسط دفتر دادگاه به تایید برسد یعنی مطابقت اصل با کپی گواهی شود.

__ اگر سندی به زبان فارسی نباشد علاوه بر رونوشت یا کپی گواهی شده آن باید ترجمه گواهی شده آن نیز پیوست دادخواست شود.

لازم است اشاره شود در حوزه قضائی تهران علاوه بر مجتمعهای قضایی سیزده گانه که در نقاط مختلف پایتخت پراکنده اند مجتمعهای دیگری بر اساس صلاحیتهایی خاص تاسیس گردیده است که عبارتند از: مجتمع قضائی ویژه کارکنان دولت، ارشاد، امور جنایی، امور اطفال، خانواده شاهد جرائم اقتصادی، امور سرپرستی، البته دادگاههای تجدیدنظر استان به عنوان مراجع عالی، پیرو درخواست ذینفع نسبت به تجدید نظر در احکام دادگاههای تالی (بدوی) اقدام مینمایند. همچنین بر طبق ماده ۲۶۸ آئین دادرسی مدنی، دادستان کل مجاز است پس از درخواست ذینفع چنانچه حکم قطعی را مخالف قانون یا شرع بیابد از دیوانعالی کشور نقض حکم را درخواست نماید.

مهلت ارایه دادخواست تجدیدنظر

به موجب ماده‌ی ۳۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی متقاضی تجدیدنظر باید دادخواست خود را ظرف مهلت مقرر به دفتر دادگاه صادرکننده‌ی رای بدوی، یا به دفتر شعبه‌ی اول دادگاه تجدیدنظر و در صورتی که متقاضی در بازداشت باشد به دفتر بازداشتگاهی که در آن جا توقیف است تسلیم کند. این مهلت برای افراد داخل ایران بیست روز و برای افراد مقیم خارج از ایران دو ماه از تاریخ ابلاغ رای بدوی می‌باشد. یا در صورتی که رای غیابی باشد همین مهلت پس از انقضای مهلت وخواهی می‌باشد.

طاهره رشیدی